

طلاق

به خاطر دستنوشته‌های جادویی

دادگاه خانواده

گروه حوادث/ گاهی دلایل مراجعه زوج‌ها به دادگاه خانواده درخواست طلاقشان آنقدر عجیب و غیر قابل باور است که قضات مجبوری می‌شوند به جای صدور حکم طلاق این زوج‌ها را به مشاور معرفی کنند تا شاید با مشورت و راهنمایی از پایان یک زندگی مشترک جلوگیری شود.

در طبقه اول دادگاه و پشت در شعبه شماره سه زوج جوانی ایستاده بودند که صدای فریادهای زن جوان توجه حاضران را به خود جلب کرده بود. شوهرش با صدایی آهسته از او می‌خواست آرام باشد اما زن جوان مدام از مادر شوهرش بدگویی و او را به برهم زدن زندگی مشترکش متهم می‌کرد. در همین موقع منشی اتاق قاضی با صدایی بلند به آنها تذکر داد و گفت: آهسته‌تر حرف بزنید اینجا دادگاه است، بیایید داخل نوبت جلسه رسیدگی شمامست.

به محض ورود به اتاق قاضی، زن جوان بی مقدمه گفت: آقای قاضی مادرشوهرم می‌خواهد زندگی ما را به هم بزند.

قاضی نگاهی به او کرد و گفت: فکر کنم شما کمی عصبی هستید اجازه بدهید از همسرتان که از امرت است بپرسم ماجرا چیست؟

میلاکه که رنگ به چهره نداشت و صدایش می‌لرزید با نگرانی گفت: آقای قاضی حدود یک‌سال قبل این خانم را در مراسم عروسی یکی از بستگانمان دیدم و با هم آشنا شدیم، بعد از چند هفته هم از خواستگاری کردم که قبول کرد و خیلی زود نامزد کردیم، کل زمان آشنایی تا ازدواجمان دو ماه طول کشید. چند ماه اول زندگی خوبی داشتیم تا اینکه یک روز که سرکار بودم همسرم تماس گرفت و در حالی که از ناراحتی فریاد می‌کشید، گفت در خانه چند تکه کاغذ پیدا کرده که رویش چیزهایی نوشته شده و شبیه جادو است. به او گفتم صبر کند تا من کارم تمام شود شب که به خانه برگشتم صحبت کنیم. همان شب وقتی به خانه رفتم همسرم مانند اسپند روی آتش این طرف و آن طرف می‌رفت و حرف‌هایی می‌زد که من اصلاً متوجه نمی‌شدم، می‌گفت موقع تمیز کردن خانه زیروسایل و داخل کمد لباس‌ها کاغذهای جادو پیدا کرده و مادرم برای اینکه زندگی ما را برهم بزند آنها را در خانه‌مان انداخته است، ولی من به او گفتم اشتباه می‌کند و خرافاتی شده است.

در حالی که صحبت‌های مرد جوان به اینجا رسیده بود زن جوان وسط حرف او پرید و گفت: چرا می‌خواهی خودت را از همه جایی خبر نشان دهی؟ مگر خودت نبود که اوایل ازدواج به من می‌گفتی برای اینکه جواب بله را از من بگیری مادرت پیش رمال و دعانویس رفته و دعا و جادو گرفته و آن را به هزار بدبختی به خود من داده‌اید. آقای قاضی من در خانواده‌ای بزرگ شدم که اصلاً به این موضوعات اعتقادی نداریم و حتی آن را بد می‌دانیم اما حالا می‌بینم که داخل خانه خدوم وزیر لباس‌ها و وسایل خانه جادو و دعاها می‌کشند و غیربند انداخته‌اند. این موضوع روح و روانم را درگیر کرده است. او سپس دست در کفکش کرد و یک برگه کوچک بیرون آورد و گفت جناب قاضی این چیست؟ آیا من خرافاتی شدم؟ قاضی روبرو میلاکه کرد و گفت همسرت درست می‌گوید؟ مرد جوان سرش را پایین انداخت و گفت: باور کنید من نمی‌دانم.

زن جوان ادامه داد: جناب قاضی ما در طبقه بالای خانه پدرش زندگی می‌کنیم آنها کلید خانه ما را دارند، وقتی من نیستم به خانه من می‌آیند و این کارها را می‌کنند. من همان هفته اول بعد از عروسی متوجه شدم که وسایل اتاق خواب‌مان تغییر می‌کند و جابه‌جا می‌شود، به میلاکه گفتم، گفت نه خیالاتی شدی اما الان فهمیدم که خیالاتی نشدم و کار خانواده میلاکه بوده است.

میلاکه با لحن تندتری گفت: اگر یک بار دیگر به خانواده من یا مادرم توهین کنی و بگویی جادوگری می‌کنم مطمئن باش تو را طلاق می‌دهم، سیما هم با صدای بلند گفت معلوم است که از تو طلاق می‌گیرم همان بهتر که جدا شویم، این شما هستید که دنبال خرافات و جادو هستید.

با شدت گرفتن دعوی زوج جوان، قاضی صدایش را بلند کرد و گفت: شما به خاطر سن کم و دخالت خانواده‌هایتان بیشتر با هم لجبازی می‌کنید بهتر است یک ماه به کلاس‌های مشاوره بروید و اگر با مشاوره مشکلات‌تان حل نشد آن وقت حکم طلاق را صادر می‌کنم، فعلاً بیایید این‌طور جلسه را امضا کنید چون نوبت رسیدگی پرونده بعدی است.

نگاه کارشناس

■ امیرحسین صفیری/ کارشناس حوزه خانواده

آنچه در زندگی این زوج جوان مشهود است اصرار و دفاع شوهر از خانواده خودش است، او سعی دارد با حمایت از مادرش صورت مسأله را پاک کند در حالی که می‌نویسند با همسرش همراه شده و ریشه این اختلافات را پیدا کند و سعی در ترمیم مشکلات و اصلاح آن داشته باشد. مرد جوان باید این موضوع را نخست با خانواده‌اش در میان می‌گذاشت و چنانچه مشخص می‌شد این اتفاق کار آنها بوده یا آرامش و دلایل منطقی از آنها می‌خواست دست از دخالت در زندگی او و همسرش بردارند تا هم همسرش متوجه شود که او حامی و پشتیبان اوست و هم خانواده‌اش متوجه اشتباهات‌شان می‌شدند.

سرقت شبانه از خانه قدیمی

گروه حوادث/ ۵ مرد نقابدار که شبانه با ورود به خانه‌ای قدیمی ۵ میلیارد تومان سرقت کرده بودند تحت تعقیب پلیس قرار دارند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل مرد جوانی با پلیس تماس گرفت و از سرقت ۵ میلیاردی از خانه‌اش خبر داد و گفت: خانه‌ای قدیمی و ویلایی در محدوده راه آهن دارم. شب بود که زنگ خانه به صدا درآمد و مردی از من خواست به مقابل در بروم. در را که باز کردم ۵ مرد مسلح در حالی که چهره‌هایشان را با نقاب پوشانده بودند وارد خانه شده و پس از بستن دست و پای من و اعضای خانواده‌ام، اقدام به سرقت طلا، جواهرات، پول و سکه و وسایل نفیس و بار ارزش خانه‌ام کردند. آنها هم اسلحه به دست داشتند و هم چاقو و تجهیزات دیگر.

مرد جوان ادامه داد: ما با مرد جوانی به نام سروش اختلاف داریم. او از ما کلاهبرداری کرده بود و ما هم از او شکایت کردیم. دو روز قبل از این سرقت مسلحانه، سروش با من تماس گرفت و مرا تهدید کرد که شکایتم را پس بگیرم. بعد از آن هم تلفن را قطع کرد و دیگر از او خبری نشد. تصوری‌کنم مردان مسلحی که شبانه وارد خانه‌مان شدند، افرادی هستند که از سوی این مرد اجیر شده بودند. با شکایت مرد جوان تحقیقات به دستور بازپرس شیک دادسرای ویژه سرقت برای شناسایی و دستگیری ۵ مرد نقاب‌دار و تحقیقات از سروش و بررسی نقش او در سرقت مسلحانه ادامه دارد.

مرگ راننده در دعوی بعد از تصادف

گروه حوادث/ راننده خودروی سواری که بعد از تصادف با یک نیسان می‌خواست مانع فرار راننده شود از خودروی وی آویزان شد اما همین موضوع مرگ او را رقم زد.

سرهنگ هادی نجفی، فرمانده انتظامی شهرستان همدان با اشاره به تصادفی که در چهارراه میدان بار همدان رخ داد، گفت: سه‌شنبه شب سانحه رانندگی بسیار جزئی بین آ ۲ دستگاه خودرو در چهارراه میدان بار همدان روی داد که منجر به جدال لفظی بین طرفین شد. سپس راننده نیسان قصد ترک محل سانحه را داشت که راننده سواری برای جلوگیری از فرار وی، از خودرو آویزان شد و راننده نیسان بی‌توجه به این موضوع به حرکت خود ادامه داد. اما همین اقدام منجر به سقوط فرد راننده (سواری) و مرگ وی بر اثر ضربه شدید به ناحیه سر شد.

وی با بیان اینکه زوایای پنهان این پرونده در دست بررسی است، اظهار داشت: راننده خودروی نیسان متواری شده و پلیس در تلاش برای دستگیری وی است.

تهدیدهمخانه‌ای

راز قتل را بر ملا کرد



گروه حوادث/ مرد جوان وقتی به‌دنبال درگیری با همخانه‌ای خود را زنجبانی را که چهار سال قبل مرتکب شده بود فاش می‌کرد نمی‌دانست گرفتار قانون می‌شود. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ۷ آذر سال ۹۶ درگیری خونینی در یکی از خیابان‌های تهرانپارس به بازپرس کشیک قتل پایتخت و تیم بررسی صحنه جرم اعلام شد. به‌دنبال اعلام این‌خبر تحقیقات آغاز و تیم جنایی راهی مغازه تعمیرات گوشی تلفن همراه شدند که دو نفر در آن مجروح شده و مرد جوانی نیز به کام مرگ رفته بود.

در تحقیقات اولیه، صاحب مغازه به تیم جنایی گفت: داخل مغازه بودم که مرد جوانی به‌نام سهراب برای تعمیر تلفن همراهش وارد مغازه شد. قبل از شروع کار وقتی هزینه تعمیر گوشی تلفنش را گفتم او مدعی شد که ۵ هزار تومان گرانتر از جای دیگر مبلغ تعمیر را گفته‌ام. من هم گفتم جای آریز آن تری سراغ داری به آنجا برو. سر همین موضوع با هم دعوایمان شد و با وساطت اهالی محل و کسبه درگیری به‌صورت موقت تمام شد. اما لحظاتی بعد سهراب به همراه چند نفر از دوستانش به مغازه من حمله کردند و من هم از دوستانم کمک خواستم. دعوا بالا گرفت و با چوب کردم شوخی می‌کنند اما او این حرف را چندین بار تکرار کرد و به قدری با جدیت بیان کرد که خیلی از دوستانم را مصدوم کرد، اما یکی از دوستانم به خاطر شدت جراحت و خونریزی فوت کرد.

■ فرار بدون سرنخ

کارآگاهان به‌دنبال اظهارات مرد مغازه دار، تحقیقات از شاهدان و بازبینی دوربین‌های مداربسته مغازه فیلمی را به‌دست آوردند که صحنه درگیری مرگبار را نشان می‌داد. در فیلم مشخص شد آرش با چاقویی که به‌دست داشت سه مرد را مجروح کرده و از محل متواری شده است. با شناسایی هویت متهم، تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت وارد عمل شده اما مرد جوان هم‌زمان با جنایت از محل متواری شده و هیچ رد و سرنخی از او در دست نبود.

■ تهدید به قتل

بررسی‌ها برای دستگیری قاتل فراری از آذر سال ۹۶ ادامه داشت اما هیچ ردی از متهم در دست نبود تا اینکه چند روز قبل مرد جوانی هراسان به کلانتری در پردیس رفت و از همخانه‌ای‌اش به اتهام تهدید به قتل شکایت کرد.

مرد جوان گفت: مدتی است که با مردی همخانه هستم اما او آدم شروری است و مدام درگیری ایجاد می‌کند تا اینکه دیروز باهم بحث‌مان شد و او خیلی جدی به من گفت اگر دست از کارهایت برداری تو را هم مثل مرد جوانی که چهار سال قبل در تهران کشته‌ام، به قتل می‌رسانم. ابتدا فکر کردم شوخی می‌کنند اما او این حرف را چندین بار تکرار کرد و به قدری با جدیت بیان کرد که خیلی ترسیدم. به همین دلیل تصمیم گرفتم ماجرا را با پلیس در میان بگذارم.



۲ ادعا در یک پرونده قتل

گروه حوادث/ سه پسر جوان که متهم هستند در یک درگیری مردی را به‌قتل رسانده‌اند، در حالی محاکمه شدند که دو نفر از متهمان منکر ارتکاب قتل بودند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال گذشته با گزارش یک درگیری مرگبار در صالح آباد آغاز شد. زمانی که مأموران پلیس به محل اعزام شدند مشخص شد که سه جوان پس از قتل مردی به‌نام مسعود از صحنه متواری شده‌اند و در نهایت مأموران افشین، رضا و سعید را در باغی در شهریار دستگیر کردند. افشین در اعترافات اولیه اتهام قتل را پذیرفت و گفت: روز حادثه به‌همراه دوستانم در پارک بودیم که مرد جوانی در حالی که مست بود، یکبار به ما فحاشی کرد. ما اصلاً او را نمی‌شناختیم من هم باچاقو او را

زدم و بعد هم همراه دوستانم فرار کردیم. بعد از اعترافات وی دو متهم دیگر نیز به شرکت در درگیری اعتراف کردند و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۷ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. در ابتدای جلسه اولیای دم درخواست قصاص کردند و برادر مقتول گفت: اینکه متهمان در اظهارات‌شان گفته‌اند که برادرم مست بوده دروغ است چرا که برادرم اصلاً اهل این کارها نبود. متهمان گفته‌اند که برادرم را نمی‌شناختند اما این هم دروغ است چون یکی از متهمان بارها برادرم را تهدید به مرگ کرده بود. حالا هم افشین اتهام قتل را پذیرفته اما اطمینان دارم قاتل برادرم سعید است.

پس از اظهارات مرد جوان افشین به جایگاه رفت و گفت: همه اعتراف‌هایم دروغ بوده و من

قاتل مسعود نیستم و سعید به‌خاطر اختلاف قدیمی با مسعود او را کشت. در ادامه سعید به جایگاه رفت و ضمن رد اتهام قتل گفت: حالا که افشین خودش را به چوبه دار نزدیک دیده اتهامش را رد می‌کند من با مقتول اختلاف داشتم اما نه به او ضربه‌ای زدم و نه او را کشتم. پس از آن هم رضا به جایگاه رفت و گفت: اتهام شرکت در نزاع را قبول دارم اما نقشی در قتل نداشتم. در آن درگیری هم افشین و هم سعید قمه داشتند اما نمی‌دانم که چه کسی ضربه کشنده را به مقتول زده است. حالا هم به‌خاطر حضورم در آن درگیری از اولیای دم شرمندهم و عذرخواهی می‌کنم. با پایان اظهارات متهمان، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

بخشش یک زندانی

به حرمت ایام فاطمیه

گروه حوادث/ خانواده دختر نوجوانی که در یک تصادف رانندگی جان باخته بود با گذشت از دریافت دیه مرد زندانی را به حرمت ایام فاطمیه بخشیدند. احمد جعفری رئیس امور شورای حل اختلاف گلستان در این باره گفت: این پرونده مربوط به حادثه رانندگی است که ۹ سال پیش رخ داد و یک دختر نوجوان در راه مدرسه بر اثر بی‌احتیاطی راننده تصادف کرد و درگذشت.

از آنجا که این حادثه در ماه حرام رخ داده بود، با شکایت خانواده این دانش‌آموز، راننده در دادگاه علاوه بر پرداخت دیه کامل به یک سوم افزایش دیه هم محکوم شد. بخشی از دیه با بیمه خودرو پرداخت شد اما مابقی دیه ناشی از افزایش ماه حرام باقی ماند و راننده به‌علت ناتوانی در پرداخت مابقی دیه که حدود ۱۸۰ میلیون تومان بود مدتی زندان افتاد.

رئیس شورای حل اختلاف گلستان گفت: با بادرمیانی اعضای شورای حل اختلاف کملان، خانواده متوفی به حرمت ایام فاطمیه، مابقی دیه را بخشیدند و سبب آزادی این محکوم پس از ۹ سال شدند.

حمله مرگبار سگ‌های ولگرد

به کودک بیرجندی

گروه حوادث/ ماجرای حمله سگ‌های ولگرد به رهگذران بویژه کودکان این بار با مرگ پسر کوچولوی بیرجندی پایان تلخ و غم‌انگیزی داشت.

به گزارش ایرنا، ساعت ۱۱ صبح سه‌شنبه ۷ دی ماه پسر چهار و نیم‌ساله‌ای در روستای امیرآباد بیرجند بر اثر حمله سگ‌های ولگرد جان سپرد.

یاسین بعداز صرف صبحانه طبق روال هر روز راهی کوچه شده بود تا با دوستانش بازی کند، اما ناگهان چند قلاده سگ به یاسین و دوستانش حمله کردند. بچه‌های دیگر چون بزرگ‌تر بودند از محله گریختند اما یکی از سگ‌ها، یاسین کوچولو را گرفت و در حالی که او را روی زمین می‌کشید دندان‌هایش را در گلوئی کودک فرو کرد؛ از آنجا که این حادثه هولناک در حوالی پاسگاه روستای امیرآباد بیرجند رخ داده بود یکی از مأموران پاسگاه به محض دیدن صحنه، با داد و فریاد کودک را از دهان سگ‌ها کرد و با اعلام موضوع به اورژانس پسرک به بیمارستان امام رضا (ع) بیرجند منتقل شد.

در بیمارستان عملیات احیای قلب به‌مدت ۴۰ تا ۴۵ دقیقه روی این کودک انجام شد، ولی متأسفانه بر اثر شدت جراحات وارده به ناحیه سر و گردن فوت کرد. به‌گفته مردم این روستا در سه ماه گذشته این دومین حادثه حمله سگ‌های ولگرد به کودکان در منطقه امیرآباد بیرجند است. در همراه اسمال نیز سگ‌های ولگرد به دختر بچه ۶ ساله‌ای حمله کردند که البته با اقدام بموقع، این کودک زنده ماند.

مرگ دلخراش یاسین بر اثر حمله سگ‌های ولگرد باعث شده تا سه‌شنبه شب نشست کارگروه ساماندهی سگ‌های ولگرد در محل فرمانداری بیرجند برگزار شود و در این جلسه به شهرداری بیرجند و دهیاران روستاها تأکید شد که هرچه سریع‌تر نسبت به ساماندهی سگ‌های ولگرد اقدام کنند.

علی ناصری فرماندار بیرجند گفت: برخی افراد به‌عنوان حامی حیوانات و محیط زیست، غذارسانی غیراصولی در خیابان‌ها، معابر و حاشیه شهرها و روستاها دارند که این اقدام باعث ازدیاد جمعیت سگ‌های بلاصاحب می‌شود و گاهی همین افراد مانع کار جمع‌آوری سگ‌ها توسط مأموران شهرداری هم می‌شوند. ناصری گفت: باید این حیوانات توسط

شهرداری جمع‌آوری و به پناهگاه حیوانات بلاصاحب هدایت شوند تا با عقیم‌سازی جمعیت آنان کنترل شود، اگر این اقدام صورت نگیرد ما بیش از این‌ها حوادث ناشی از حمله سگ‌های ولگرد را خواهیم داشت. مهدی بهترین، شهردار بیرجند نیز افزود: در زمینه زنده‌گیری سگ‌های ولگرد در بیرجند ما ۲ اکیب چهار نفره داریم که با ۲ دستگاه ماشین، روزانه کار زنده‌گیری را انجام می‌دهند. از ابتدای تیرماه اسمال تاکنون ۴۶۵ قلاده سگ زنده‌گیری شدند و در سایت شهرداری نگهداری می‌شوند، البته برخی سازمان‌های مردم‌نهاد هم در این زمینه شهرداری را کمک می‌کنند.

وی با اشاره به اینکه برخی مردم از روی ناآگاهی به این حیوانات غذا می‌دهند، گفت: غذا دادن به آنان باعث می‌شود که به محلات مسکونی نزدیک شوند و از طرفی بحث زادآوری آنها بیشتر خواهد شد.

تقاضای ما این است که بتوانیم سلاح بیهوشی جدیدی تهیه کنیم، چرا که یک قبضه سلاح بیهوشی داریم اما به‌دلیل اینکه بر اثر تحریم‌ها فشنگ آن وارد نمی‌شود، بلااستفاده مانده است.